

دستور کار قطعی نظام

جمهوری اسلامی، دنبال کردن

الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

شماره ۲

واکاوی مفاهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان؛

به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

● ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ۱۳۹۳ ●

توسعه و پیشرفت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است

دکتر محمد حسین پناهی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس کمیته علمی سومین کنفرانس الگو همه جوامع بشری امروز در پی توسعه و یا پیشرفت هستند. در یک نگاه کلی، توسعه و پیشرفت در هر جامعه ای را می توان فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دانست. این تعریف کلی دو سؤال اساسی را به ذهن متبادر می کند: یکی این که وضعیت مطلوب چه وضعیتی است؟ دوم این که حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب چگونه باید انجام شود؟ با توجه به تفاوت وضعیت موجود جوامع مختلف، آیا چگونگی حرکت به وضع مطلوب برای همه جوامع یکسان است؟ یا این که با توجه به اختلافات جوامع از نظر مبانی معرفتی، فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و ایدئولوژیک، هم وضعیت مطلوب جوامع مختلف با هم متفاوت است و هم چگونگی حرکت از وضع موجود به وضعیت مطلوب، اگر چنین باشد، باید نتیجه گرفت که هیچ برنامه و الگوی توسعه و پیشرفتی تعمیم پذیر نیست و نمی توان نسخه آن را دقیقاً برای فرهنگ و کشوری دیگر پیچید.

در رابطه با وضعیت مطلوب باید اشاره کرد که تا دهه های اخیر بسیاری از مردم و متفکران تصور می کردند که وضعیت مطلوب همه کشورها وضعیتی است که در حال حاضر در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته غربی وجود دارد و همه جوامع باید در جهت تشبیه به آن کشورها حرکت کنند و توسعه یعنی حرکت جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه از وضع موجود به وضعیت کشورهای توسعه یافته غربی. اما اکنون برای اکثر اندیشمندان آشکار شده است، که جوامع غربی دارای مشکلات و مسائل اساسی برای انسان ها و بشریت هستند و نمی توانند الگوی مناسبی برای توسعه کشورهای دیگر باشند. انواع مسائل فرهنگی، اخلاقی، انسانی، سیاسی و حتی اقتصادی در این کشورها وجود دارد، که خود متفکران غربی از آن ها به شدت انتقاد می کنند و به سایر کشورها هشدار می دهند که مبادا همان مسیر توسعه غرب را در پیش بگیرند. چرا که این نوع توسعه اولاً پایدار نیست و ثانیاً ضد مصالح محیط زیست انسان است و ثالثاً لزوماً سبب نجات و سعادت انسانها نبوده و انسانها را در مسیر تعالی و رشد قرار نمی دهد. پس باید وضعیت مطلوب دیگری را شناسایی و ترسیم کرد.

در رابطه با چگونگی حرکت به طرف وضعیت مطلوب نیز شیوه رایج برای کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، این بود که دولت ها و دولتمردان برنامه های بلند مدت و کوتاه مدتی را برای توسعه کشور تصویب می کردند و این برنامه ها را به کمک دستگاه های اجرایی دولتی اجرا می کردند. هنوز هم شیوه معمول در کشور ما همین است. اما نتایج حاصل از اجرای صدها برنامه توسعه ناموفق در دنیا نشان داده است که این شیوه مطلوبی برای رساندن کشورها به توسعه نیست. چرا که دولتمردان غالباً برنامه های نامناسبی را تدوین کرده و به مردم تحمیل می کنند و با بودجه های هنگفتی آنها را به اجرا در می آورند، بدون این که به نیازهای واقعی و اولویت های مردم و امکانات موجود در مناطق مختلف کشور آگاه باشند. امروزه بشریت به این نتیجه رسیده است که برای موفق شدن برنامه های توسعه لازم است که برنامه ریزی و اجرای آنها با مشارکت مردم انجام شود؛ مردمی که قرار است از دستاوردهای برنامه ها منتفع شوند، باید در تدوین این ادامه در صفحه ۶

هم اندیشی صاحب نظران و پژوهشگران حوزه توسعه و پیشرفت در سومین کنفرانس الگو

دکتر هادی اکبرزاده
معاون علمی و تقسیم کار ملی مرکز و دبیر سومین کنفرانس سومین کنفرانس سالانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با موضوع «واکاوی مفاهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت» در روزهای ۳۱ اردیبهشت و ۱ خردادماه ۱۳۹۳ برگزار خواهد شد. از آن جاکه بهره گیری از دستاوردهای ارزشمند علمی جهان به عنوان میراث مشترک بشریت در حوزه مباحث مربوط به توسعه و نقد و بررسی عالمانه و منصفانه آنها از ضروریات شکل گیری نظریه پردازی بومی پیشرفت است لذا واکاوی ایده ها و آسیب شناسی نظریه ها و مدل های رایج توسعه و ارزیابی میزان سازگاری آنها با مبانی اسلام و ویژگی های جامعه ایران و نیز بررسی عینی تجربیات سایر کشورها در حوزه های متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

ادامه در صفحه ۷

گزارشی کوتاه از جلسات کمیته علمی کنفرانس؛

معرفی مقالات برتر سومین کنفرانس الگو جهت انتشار به مجلات علمی و پژوهشی معتبر

جلسات اول و دوم کمیته علمی سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به ریاست آقای دکتر پناهی، رئیس کمیته علمی سومین کنفرانس و با حضور آقای دکتر اکبرزاده، معاون علمی و تقسیم کار ملی مرکز و دبیر کنفرانس و با شرکت تعدادی از اعضای کمیته علمی در روزهای ۹۲/۰۹/۲۴ و ۹۲/۰۹/۲۵ تشکیل شد.

در اولین جلسه، فعالیت های انجام شده برای برگزاری سومین کنفرانس تشریح شد و شاخص ها و مولفه های کلی محورها و شیوه داوری مقالات توسط اعضای کمیته علمی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین موضوع انتشار مقالات منتخب کنفرانس در مجلات علمی - پژوهشی معتبر مورد تاکید قرار گرفت و مقرر شد اقدامات لازم در این خصوص به عمل آید.

در دومین جلسه، اعضا کمیته علمی، اسامی صاحب نظران مرتبط با مباحث مربوط به موضوعات کنفرانس را جهت افزایش مشارکت نخبگان و صاحب نظران در برگزاری کنفرانس مطرح و تاکید نمودند دبیرخانه کمیته علمی از آنان جهت نگارش مقاله و مشارکت علمی در برگزاری کنفرانس دعوت به عمل آورد. در این جلسه پیشنهادات مربوط به تکمیل شیوه نامه تدوین مقالات مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد موارد تکمیلی مصوب در وبگاه کنفرانس درج شود. همچنین در مورد راهکارهای اخذ درجه علمی - پژوهشی برای مقالات برتر کنفرانس تبادل نظر شد.

برای تولید الگوی پیشرفت باید به ظرفیت های معرفتی و مبانی فرهنگی خود رجوع کنیم

رئیس اندیشکده مبانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تصریح کرد: فرهنگ اسلامی بیش از هر چیز مبتنی بر رویکرد هستی شناسی دینی است و از این رو باید در تولید و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این مقوله، به عنوان اصلی ترین مبنا، دیده شود.



حجت الاسلام دکتر پارسا نیا، استاد حوزه علمیه قم در گفت و گو با پایگاه اطلاع رسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با تاکید بر اینکه تدوین الگو و نظریه های پیشرفت نیازمند نگاه درست هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناختی است، در پاسخ به سوالی در مورد جایگاه اصول و مبانی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اظهار داشت: فرهنگ اسلامی و جامعه اسلامی فرهنگی، پیش از هر چیز مبتنی بر رویکرد هستی شناختی دین است و با نگاهی که اسلام به انسان و جهان ادامه در صفحه ۲

پیشرفت اسلامی تغییر تدریجی

تکاملی با مؤلفه های حکمی بودن،

کوثری و جامع نگر است

حجت الاسلام و المسلمین دکتر خسرو پناه
دانشیار و رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران



فرآیند تمدن سازی اسلامی در مقام تحقق، از مراحل عبور خواهد کرد که به ترتیب عبارتند از: بیداری اسلامی، عقلانیت اسلامی، جریان عقلانیت اسلامی، حکومت اسلامی، جامعه اسلامی، پیشرفت اسلامی و تمدن اسلامی. درباره نقش روش حکمی - اجتهادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید ابتدا تعریف خود از پیشرفت اسلامی را مشخص نمود. نگارنده پیشرفت اسلامی را تغییر تدریجی تکاملی با مؤلفه های حکمی بودن، کوثری در مقابل تکاثری و جامع نگر در برابر گزینش گرا می داند. مقصود از تغییر تدریجی، در مقابل ثبات یا تغییر دفعی است و مقصود از تغییر تکاملی در مقابل تغییر انحطاطی و عقب گردی و جلوگیری از فعلیت بخشیدن به استعداد های انسانی است. همچنین مقصود از تغییر ادامه در صفحه ۲

وبگاه سومین کنفرانس آماده ثبت نام و دریافت مقالات است



نظریه دولت و تمدن

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دانشیار دانشگاه تهران



اگرچه مفهوم پیشرفت در قرون جدید، بیشتر خود را در ادبیات اجتماعی نشان داده است ولی مطالعه تحولات تاریخی جوامع، نشان‌دهنده این واقعیت اساسی است که توسعه شهرها، بازرگانی، صنعت و در نهایت تولید دانش و به عبارتی پیشرفت، مخصوص و محدود به یک منطقه جغرافیایی نبوده و نیست. رخداد این پدیده، زمانی، نزد ایرانیان بوده، زمانی دیگر نزد یونانی‌ها، زمانی بعد در بغداد و مصر و شمال آفریقا و امروزه، پدیده پیشرفت، خود را در مغرب زمین نشان می‌دهد.

متفکران جدید غرب در حوزه‌های مختلف به خصوص جامعه‌شناسی تلاش کرده‌اند که پدیده پیشرفت را تبیین و دلایل آن را جست‌وجو کنند و توضیح دهند. وجه مشترک همه تئوری‌هایی که تا کنون مطرح شده است توجه بیش از حد و یک جانبه به غرب و حذف و عدم توجه به تحولاتی است که در مشرق زمین اتفاق افتاده است.

برای خروج از این بن‌بست، ارائه نظریه‌ای که بتواند دستاوردهای همه ابناء بشر، چه در شرق و چه در غرب را مورد توجه قرار دهد شایسته و بایسته است. تئوری دولت و تمدن پاسخی است به این سؤال طبیعی، منطقی و فطری. تئوری دولت و تمدن بر نظریه انسان‌شناسی فطرت، مبتنی است و از بین عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی را در صحنه اجتماعی مقدم می‌دارد. البته این بدان معنی نیست که به عوامل دیگر توجه نمی‌کند، بلکه عوامل دیگر هم در مراحل یا مرتبه بعدی قرار می‌گیرند.

دانشگاه حکمت بنیان و قلب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

دکتر مهدی فاتح‌راه، استادیار دانشگاه صنعتی شریف
محمدحسین نقوی، کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران



بارزترین سابقه‌ی ترسیم الگو در میان قدما، بازمی‌گردد به ترسیم آرمانشهر. از این رو گذاری در نگاه متفکران به منظور تبیین نگرش و معماری فکری آنها در ترسیم فضای آرمانشهر برای رسیدن به معماری مطلوب در ترسیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ضروری است. از جمله مهمترین این متفکران، افلاطون، اگوستین، توماس مور، فرانسیس بیکن و فزاری هستند، اما با تطبیق معماری و نوع نگرش چهار متفکر اول با معماری و نگرش اقتباس شده از متون اسلامی و نظر علمای اسلامی، با نوعی کمبود در معماری فکری آن‌ها مواجه می‌شویم، لازمه‌ی نهادینه شدن این معماری در سراسر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تحول در نهاد دانشگاه است، لذا دانشگاه حکمت بنیان، که مأموریت اصلی آن تربیت انسانهای حکیم و توسط مراکز حکمت بنیان و در جهت خلق، نشر و تعالی فرهنگ علم و فناوری و نهایتاً توسعه حکمت است، در قلب این الگو جای می‌گیرد. از این رو در این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل فلسفی و ترکیب و تکمیل نگرش برخی از حکمای برجسته اسلامی، مفهوم فرهنگ علم و فناوری به شکلی اجمالی، تبیین شده، با طرح الگوی توسعه حکمت، الگوی ستادی و محتوایی دانشگاه حکمت بنیان پیشنهاد گردیده است.

علاقه مندان جهت مطالعه متن کامل مقاله به مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مراجعه نمایند.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پی تعالی و کمال انسان است

دکتر محمد حسین پناهی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس کمیته علمی کنفرانس

انسانی مرکز ادامه داد: اساس الگوهای توسعه غربی بر نگاه مادی استوار است و هدف آن توسعه رفاه اجتماعی و مصرف‌گرایی است، درحالی که در ایران با توجه به اهمیت دیدگاه ارزشی در جامعه، مسیر پیشرفت باید منجر به کمال انسان شود و این مسیر طوری طراحی شود که در مسیر تعالی انسانی حرکت کند و همه جانبه باشد.

پیشرفت اسلامی تغییر تدریجی تکاملی با مؤلفه‌های حکمی بودن، کوثری و جامع نگر است

روش برهانی که عبارت است از ایتنای گزاره‌های نظری به بدیهی در قالب شکل اقترازی و استثنایی، با کمک روش اجتهادی به توصیف انسان مطلوب می‌پردازد و روش تجربی که عبارت است از روش تبیینی استقرایی-قیاسی یا استقرایی-آماري، با روش اجتهادی در توصیف انسان تحقق یافته و نقد و تغییر آن مؤثر است.

منظور از روش اجتهادی، اعم از اجتهاد مصطلح در فقه رایج است و می‌توان آن را شامل سه ساحت برشمرد: ساحت اول کشف کلیات دینی و انطباق بر مسایل جزئی را در بر می‌گیرد، ساحت دوم به عرضه پرسش‌های برگرفته از جامعه و مکاتب جدید بر متون دینی جهت کشف پاسخ دینی آنها می‌پردازد و ساحت سوم حوزه عرضه پرسش‌های برگرفته از متون اسلامی و منظومه معرفتی اسلام بر جامعه تحقق یافته، جهت کشف پاسخ‌های عینی است. این روش علاوه بر توانایی در توصیف پیشرفت تحقق یافته ایرانی-غربی، توان توصیف پیشرفت مطلوب ایرانی-اسلامی و چگونگی تغییر از پیشرفت ایرانی-غربی به پیشرفت مطلوب ایرانی-اسلامی را دارد.

دکتر محمد حسین پناهی، رئیس کمیته علمی سومین کنفرانس الگو در نشست خبری کنفرانس که در تاریخ ۹۲/۱۰/۲۱ برگزار شد، توسعه را بحث اساسی همه کشورهای دنیا برشمرد و با بیان اینکه توسعه، بحثی همه‌جایی و جهانی است، اضافه کرد: این مساله به این معنا نیست که همه در یک مسیر توسعه باید حرکت کنند؛ برخی تصور می‌کنند که الگوی غربی تنها راه توسعه و پیشرفت است در حالی که این مساله مورد انتقادات جدی واقع شده است.

پیشرفت اسلامی تغییر تدریجی تکاملی با مؤلفه‌های حکمی بودن، کوثری و جامع نگر است

ادامه از صفحه ۱ کوثری، تغییری است که در راستای فعلیت بخشیدن من (فردی و اجتماعی) علوی انسان و تکامل ملکی در راستای تکامل ملکوتی باشد. مقصود از تغییر جامع‌نگر نیز تکامل همه جانبه مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان است. پیشرفت اسلامی، مبتنی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی و دین‌شناسی و اسلامی است.



علوم رفتاری و اجتماعی، سه فعالیت توصیف انسان مطلوب و تحقق یافته و نقد و تغییر انسان تحقق یافته به انسان مطلوب را به عهده دارند. این سه ساحت در علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر حکمت اسلامی به ویژه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و دین‌شناسی و همچنین مبتنی بر فلسفه خلق و حق است.

روش حکمی - اجتهادی که بر مبنای چستی علوم رفتاری و اجتماعی پذیرفته شده، قابل تبیین است با استفاده از روش برهانی و تجربی و اجتهادی به مسائل سه ساحت قبلی پاسخ می‌دهد.

روش، چگونگی کاربست قواعد معرفت‌شناختی و منطقی جهت کسب معرفت موجه است و روش شناسی پس از معرفت‌شناسی و منطق بکار می‌رود. روش به دو ساحت گردآوری اطلاعات و داوری تقسیم می‌شود. روش کتابخانه‌ای و میدانی، دو روش شایع در مقام گردآوری اطلاعات است و روش‌های تبیینی و تفسیری و انتقادی، سه نوع رویکرد متعارف در مقام داوری هستند. روش حکمی - اجتهادی از سنخ روش داوری با رویکرد تبیینی - تفسیری - انتقادی است.

روش حکمی - اجتهادی که بر مبنای چستی علوم رفتاری و اجتماعی پذیرفته شده، قابل تبیین است با استفاده از روش برهانی و تجربی و اجتهادی به مسائل سه ساحت قبلی پاسخ می‌دهد.

برای تولید الگوی پیشرفت باید به ظرفیت‌های معرفتی و مبانی فرهنگی خود رجوع کنیم

ادامه از صفحه ۱ دارد شکل گرفته است، لذا شناخت ما از زندگی و حیات از این مبادی صورت می‌گیرد. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: اگر دید خود را بر این مبنا تعریف کنیم در واقع دیدی بومی داشته‌ایم و دیگران نیز نمی‌توانند جهت‌گیری فرهنگی و تاریخی‌مان را از بیرون تغییر دهند و نظریه فرهنگی و الگوی ما از بیرون القاء شود.

پارسانیا در همین زمینه تاکید کرد که برای تولید الگوی پیشرفت باید به ظرفیت‌های معرفتی و مبانی فرهنگی خود رجوع کنیم.

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه پیشرفت مناسب را حرکت



در این رویکرد، روش حکمی - اجتهادی، پیشرفت حکیمانه (وضع مطلوب) را توصیف می‌کند. توصیف نقد توسعه مدرن - ایرانی (وضع محقق) بوسیله روش اجتهادی - تجربی امکان‌پذیر می‌باشد و در نهایت، روش حکمی - اجتهادی - آماری می‌تواند در تغییر توسعه مدرن به پیشرفت حکیمانه نقش ایفاء کند.

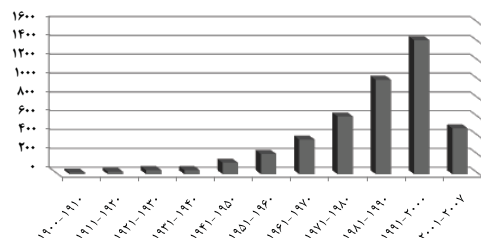
و برنامه ریزی اجتماعی توصیف کرد که مقاطع مختلف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. وی اضافه کرد: خطری که در این مساله ما را تهدید می‌کند، ادبیات موجود در پیشرفت در بخش دیگری از جهان است که از غرب شکل گرفته و نوعی نسخه‌پیچی برای کشورهای غیر غربی و با توجه مولفه‌های غربی است.

وی که در ششمین نشست اندیشه ورزی حضور یافته بود، ادامه داد: اگر ظرفیت‌های اجتماعی مان جهت‌گیری درستی نداشته باشد و الگو تولید بومی نباشد، نه تنها مشکلات تاریخی و فرهنگی ما را حل نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید. از این روست که این مساله مهم در افق رهبری جامعه دیده شده و به عنوان اولویت‌های مدیریت کلان کشور معرفی شده است.

بررسی وضعیت اندیشکده‌های بین‌المللی

از آنجاکه پیشرفت و توسعه کشورهای و نیز تحولات بین‌المللی متأثر از دیدگاه‌هایی است که از سوی اندیشکده‌ها به مسئولان عالی دولت‌ها ارائه می‌شود، آشنایی با فعالیت، استقرار و رتبه بندی آنها بیانگر سرمایه‌گذاری و اهمیتی است که دولت‌ها برای رشد و پیشرفت قائل هستند. دانشگاه پنسیلوانیا از سال ۲۰۰۶ میلادی سالیانه اندیشکده‌های (Think Tank) مختلف

تعداد اندیشکده‌های تاسیس شده در دنیا در هر ده سال

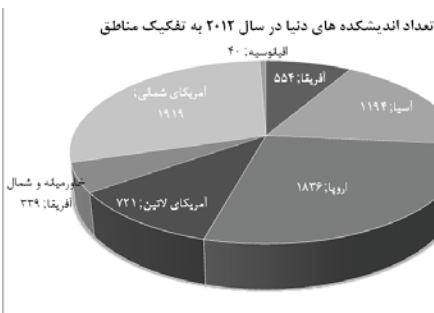


- میزان دسترسی به نخبگان دانشگاهی، رسانه‌ای و سیاسی
- میزان ارجاع فعالیت‌های علمی و دانشگاهی به اندیشکده مورد نظر
- میزان شهرت رسانه‌ای اندیشکده
- میزان اعتبار اندیشکده در میان سیاست‌گذاران (به رسمیت شناختن نام اندیشکده در مسائل خاص، تعداد جلسات و ملاقات‌های رسمی و غیره)؛

- وضعیت منابع مالی سازمان (وقف، حق عضویت، کمک‌های مالی سالانه، دولتی و خصوصی قرارداد، درآمد)؛
- به طور کلی خروجی سازمان (پیشنهاد سیاست‌ها، انتشارات، مصاحبه‌ها، کنفرانس‌ها، تعداد کارمندان موسسه)؛
- میزان مشاوره به سیاست‌گذاران و تعداد کارمندان که به عنوان مشاور سیاست‌گذاران کار می‌کنند؛
- توانایی سازمان برای تولید دانش جدید و با ایده‌های جایگزین در سیاست؛

دنیای ما مورد بررسی قرار داده و در زمینه‌های مختلف رتبه‌بندی می‌نماید. این مجموعه با بهره‌گیری از بیش از ۱۹۵۰ کارشناس متشکل از مشاوران، محققان، سیاستمداران، مدیران قلمی و فعلی اندیشکده‌ها، موسسات دولتی و خصوصی و دانشگاهی؛ اندیشکده‌های جهان را در قالب جهانی، منطقه‌ای، زمینه پژوهشی و موفقیت‌های ویژه رتبه‌بندی می‌نماید. بر اساس این گزارش نرخ رشد اندیشکده‌ها از ابتدای قرن بیستم به صورت نمودار زیر می‌باشد.

همچنین بر اساس این گزارش تعداد اندیشکده‌های موجود در جهان تا سال ۲۰۱۲ به تفکیک مناطق به صورت زیر می‌باشد. مجموع کل اندیشکده‌های دنیا در این سال ۶۶۰۳ واحد می‌باشد. از میان تمام اندیشکده‌ها، ۲۰ اندیشکده برتر دنیا به صورت زیر می‌باشند. معیارهای مختلفی جهت انتخاب این اندیشکده‌ها در این گزارش ذکر شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- میزان تأثیر موسسه بر کیفیت زندگی افراد در کشور مورد نظر
- میزان انتشارت موسسه
- میزان توانایی موسسه جهت جذب نخبگان، پژوهشگران و تحلیل‌گران



- قابلیت برقراری ارتباط بین جوامع دانشگاهی و سیاست‌گذاری؛
- قابلیت ارتباط بین دولت و مردم؛
- جالب توجه است که نیمی از اندیشکده‌های برتر جهان در کشور آمریکا مستقر هستند. با توجه به اهمیت اندیشکده‌ها در اندیشه‌ورزی، تحلیل وضعیت‌های موجود و دستیابی به اهداف، تولید ایده‌ها و سناریوهای مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای رفع چالش‌ها و گذار از وضعیت کنونی به آینده بهتر، می‌توان گفت کشورهای آمریکا، برخی از کشورهای اروپایی و شرق آسیا در این زمینه سرمایه‌گذاری و تلاش قابل توجهی داشته‌اند.

1	Brookings Institution (United States)
2	Chatham House (United Kingdom)
3	Carnegie Endowment for International Peace (United States)
4	Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) (Sweden)
5	Center for Strategic and International Studies (United States)
6	Council on Foreign Relations (United States)
7	Amnesty International (United Kingdom)
8	Bruegel (Belgium)
9	Rand Corporation (United States)
10	International Institute for Strategic Studies (IISS) (United Kingdom)
11	Woodrow Wilson International Center for Scholars (United States)
12	Transparency International (TI) (Germany)
13	German Institute for International and Security Affairs (SWP) (Germany)
14	International Crisis Group (ICG) (Belgium)
15	Peterson Institute for International Economics (United States)
16	Japan Institute of International Affairs (JIIA) (Japan)
17	Chinese Academy of Social Sciences (CASS) (China)
18	Heritage Foundation (United States)
19	Cato Institute (United States)
20	American Enterprise Institute for Public Policy Research (AEI) (United States)

چالش بین فرهنگ مذهب و فرهنگ توسعه نسبت به «اسلامیت فرهنگ پیشرفت» و بررسی فلسفه و نظریه‌های فرهنگی در سطح روش‌شناختی

حجت الاسلام احمد زبیبی نژاد

پژوهشگر و مدیر گروه پژوهشی «حجیت» حسینیه اندیشه قم



جامعه و تمدن‌ها بر اساس فرهنگ آن نظام به وجود می‌آید و تمدن نوین اسلامی نیز از این اصل مستثنی نیست. بر این اساس «اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را نیز تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن چنان کند که انحراف بصورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد» (پیام حضرت امام خمینی (قدس سره)؛ صحیفه نور، جلد ۱۷، صفحه ۲۰۲). از سویی دیگر هدف و مسیری که پرچمدار انقلاب، مقام معظم رهبری برای نظام اسلامی ترسیم نموده‌اند «پیشرفت همه جانبه» است که از منظر معنویت و فرهنگ اسلامی، متغیر اصلی آن «رسیدن به فلاح و رستگاری» می‌باشد. بنمایه‌های این فرهنگ را اسلام در اختیار ما قرار داده است و «اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هر چه ما در صنعت پیش برویم، هر چه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳)

در کشور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سه ادبیات سهم تأثیر اساسی در فرهنگ و نظریه‌های علمی داشته و دارند: ۱. ادبیات تخصصی حوزه علمیه ۲. ادبیات تخصصی دانشگاه ۳. ادبیات انقلاب؛ که در سطح فرهنگ عمومی می‌باشد. از این‌رو، نظام اسلامی برای تولید و تدوین «فرهنگ اسلامی پیشرفت» با چالش بین فرهنگ مذهب (ادبیات حوزه) و فرهنگ توسعه (ادبیات دانشگاه) مواجه می‌باشد که به نظر می‌رسد حل این چالش را باید در «فلسفه و نظریه‌های فرهنگی جدید، آن‌هم در سطح روش‌شناختی» کنکاش نمود. پژوهش حاضر با تحلیل از «ضرورت، موضوع و هدف» ادبیات انقلاب، ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه نسبت به مقوله «فرهنگ پیشرفت»، به بررسی اجمالی سه نظریه جدید فرهنگی در سطح روش‌شناختی برای حل چالش فوق پرداخته است. علاقه‌مندان جهت مطالعه متن کامل مقاله به مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مراجعه نمایند.

درباره واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و چگونگی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اشاره: ویژه‌نامه خبری سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به منظور آگاهی از نظرات و دیدگاه‌های استادان و محققان ممتاز با چند تن از آنان گفتگو کرده است. آنچه در ادامه می‌آید دیدگاه‌های ایشان است که با هدف مقایسه نظرات آنها، پاسخ‌های دریافتی برای هر سؤال، یک جا درج شده است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان؛ به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ویژه‌نامه خبری سومین کنفرانس شماره ۲



دکتر مصطفی سلیمی فر
استاد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

توسعه اقتصادی می‌باشد و بالطبع با نظریاتی که به این بعد از توسعه می‌پردازند آشنایی بیشتری وجود دارد. همان طور که می‌دانید صاحب نظران توسعه چهار بعد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای آن قائل می‌باشند. شاید به دلیل این که در طول تاریخ و در عصر حاضر نیز نیازهای اقتصادی به گونه‌ای اولویت خود را نشان داده‌اند، معمولاً به بعد اقتصادی توسعه بیشتر توجه شده است. در بحث توسعه اقتصادی نظریه پردازان بزرگ و صاحب نامی وجود داشته‌اند که نظریات آنان از زاویه‌های مختلفی طبقه بندی شده است. یکی از این طبقه بندی‌ها از زاویه امکان یا عدم امکان دست یابی کشورهای توسعه نیافته به توسعه می‌باشد. مکاتبی مانند: نئوکلاسیکی، ساختارگرایی، وابستگی و غیره از این جهت ظهور کرده‌اند. از رویکرد هدف توسعه شاید بتوان دو طبقه بندی را مد نظر قرار داد: گروهی که هدف توسعه را رفاه اقتصادی می‌دانند و همان طور که در سوال قبلی گفته شد، نگاه کالایی به توسعه دارند و گروهی که توسعه را از مقوله آزادی می‌دانند. نظریه پردازان نئوکلاسیکی عمدتاً در گروه اول و صاحب‌نظرانی مانند آمارتیا سن در گروه دوم جای می‌گیرند. می‌توان گفت که نگاه انسانی به توسعه و توجه به پایداری آن آخرین تطور نظریات توسعه می‌باشد. باید گفت که توسعه بیشتر یک پدیده نرم است تا یک پدیده سخت. به این معنی که به عنوان مثال، مشخصه اصلی یک جامعه توسعه یافته (البته خود این عبارت نیز محل بحث می‌باشد) برخورداری از حجم زیادی از سرمایه‌های فیزیکی نیست، بلکه مهمتر از آن، بهره‌مندی از انسان‌های توانمند کمال جویی است که در تلاش است خود را برای یک زندگی به بلندای ابدیت آماده نماید و فقط به دوره کوتاه حیات این دنیا بسنده نمی‌کند. بنابراین، از دیدگاه اینجانب نظریات متعارف توسعه تا جایی که این افق از زندگی را برای انسان پی‌می‌گیرند، می‌توانند مورد تأیید قرار گیرند. نقد اصلی که به نظریات متعارف در این حوزه وارد است این است که آن‌ها تعریف صرفاً مادی از "زندگی کامل" داشته و افق کوتاه زندگی‌ای را برای انسان ترسیم می‌کنند.

● **دکتر اسماعیل شهبازی:** اساس کار توسعه مبتنی بر مشارکت دادن راستین مردمانی است که به عنوان منابع و یا ریشه‌های اصیل جامعه ایرانی (Grass-Roots) می‌باید مخاطبان و گروه‌های اصلی هدف برنامه‌های توسعه و پیشرفت قلمداد گردند -



دکتر عباسعلی زالی
استاد دانشگاه تهران و معاون هماهنگی و نظارت فرآیندی مرکز



دکتر اسماعیل شهبازی
استاد علوم آموزش ترویج و توسعه دانشگاه شهید بهشتی

مختلف آغاز شد، یکی از عوامل اساسی که در تعیین مسیر پیشرفت کشورها اثرگذار شد، نحوه انتخاب و استفاده آنها از مدل‌های توسعه در امور مختلف جامعه مورد نظر بوده است و اگر چه بیشتر این مدل‌ها محدود به بحث‌های اقتصادی می‌شد، ولی خواه ناخواه در سایر امور حتی بخش‌ها هم آثار خود را نشان داده است به خصوص وقتی می‌بینیم این مدل‌های توسعه عموماً با متکی به نظریه‌های خاصی بوده یا از ناحیه مجامع و مراجعی پیشنهاد و ارائه شده است که خودشان متأثر از یک نظریه ویژه‌ای بوده‌اند، در برخی موارد هم به دلیل شرایط و پیچیدگی‌های خاص اجتماعی، سیاسی، مدل‌هایی که مورد عمل قرار گرفته‌اند تحت تأثیر نظریه‌های مختلف بوده‌اند و این مسائل به خصوص موقعی روشن می‌شود که مسیر تحول، توسعه یا پیشرفت را در آن جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. هر چند ما در الگوی مورد نظر خودمان، مسیر پیشرفت را دنبال می‌کنیم اما بدون توجه به این موضوع اساسی که کشورمان در طول پنج برنامه توسعه قبل از انقلاب و پنج برنامه بعد از انقلاب از چه نظریه‌هایی برای توسعه استفاده کرده و اینکه آیا اصولاً برنامه‌های توسعه بر پایه نظریه‌های صریح و روشنی که به صورت علمی هم قابل دفاع باشند تدوین شده یا حسب مقتضیات و شرایط خاص کشور مجموعه‌ای از خواسته‌ها بدون تبعیت از نظریه خاصی تبدیل به برنامه شده‌اند و همزمان با این برنامه‌هایی که در کشور ما به اجرا درآمده در سایر نقاط جهان چه تحولاتی رخ داده است؟ برای دستیابی به پاسخ‌های صحیح در این زمینه لازم است که مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه واکاوی شوند تا در مسیر تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بصیرت و آگاهی لازم از تجربه‌های حاصله استفاده شود.

● **دکتر مصطفی ملکوتیان:** معرفی این نظریه‌ها راه را برای نقد علمی مفاهیم نظری غرب در زمینه توسعه که خود می‌تواند پله نخست برای دستیابی به مفاهیم و نظریه‌های هدفدار و تکامل نگر در زمینه پیشرفت باشد، باز می‌کند. این واکاوی در شناخت مشکلات این نظریه‌ها در عمل و نیز نتایجی که از آنها تاکنون به دست آمده است و به عبارت دیگر شناخت محدودیت‌های آنها مفید است.

● **سؤال دوم: مهم‌ترین نظریات توسعه در حوزه تخصص جنابعالی چیست و چه تأیید و نقدی نسبت به آن دارید؟**
● **دکتر مصطفی سلیمی فر:** حوزه مطالعاتی اینجانب

دکتر مصطفی ملکوتیان
استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

● **سؤال اول: واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه چه کمکی به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهد نمود؟**

● **دکتر مصطفی سلیمی فر:** واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه از ابعاد گوناگونی نه تنها مفید می‌باشند، بلکه به نظر می‌رسد یکی از ضرورت‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد. به دلیل این که اولاً فهم و درک ما را از این مفاهیم افزایش می‌دهد که در پرتو آن می‌توان به یک زبان مفاهیم مشترک دست یافت. این درک تقریباً یکسان از مفهوم توسعه زمینه را برای شناسایی نقاط اشتراک و افتراقی که احتمالاً مراد ما از "پیشرفت" در الگوی اسلامی-ایرانی می‌باشد را با الگوهای رایج توسعه مشخص خواهد شد. ثانیاً: نظریه‌های رایج توسعه را که به گونه‌ای می‌توان دستاورد بیش از یک قرن تلاش بشر در عرصه نظریه پردازی توسعه دانست، بهره‌مند از انباشت دانش عظیمی است که طی این زمان طولانی توسط نظریه پردازان این عرصه خلق شده و به بشریت ارزانی شده‌اند. با کنکاش در این نظریات آخرین یافته‌های بشریت در حوزه مورد بحث در اختیار قرار می‌گیرد و ما را از پی‌مودن راه‌هایی که تجربه شده‌اند بی‌نیاز می‌سازد. مدت‌ها طول کشید تا جامعه بشری از داشتن نگاه "کالایی" به توسعه به نگاه "آزادی" به توسعه رسید. دلایل این تطور فکری نارساییها و عدم توفیقانی بوده است که بشر در نیل به اتوپیای مورد نظرش با آن مواجه شده است.
دکتر اسماعیل شهبازی: با توجه به بازشدن مرزهای جغرافیایی کشورهای به روی همدیگر و برقراری ارتباطات علمی و فرهنگی و اقتصادی در بین کشورهای جهان از یک سوی و نشر سریع یافته‌های علمی و اطلاعات تجربی و بازخوردهای حاصل از این فعل و انفعال‌ها از سوی دیگر و نتیجتاً، در پی بروز تغییرات و تحولات نوظهور در فرآیند طرح و اجراء و ارزشیابی برنامه‌های توسعه، الزام به واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه در کشورهای و جوامع مختلف دنیا به روشنی معلوم می‌گردد. چه آنکه برای توسعه و پیشرفت در جهان امروز و در جوار انبوهی از پدیدارهای روز - به - روز در هریک از جوامع بشری، «در تاریکی و انزوا نمی‌توان پیشروی کرد».

● **دکتر عباسعلی زالی:** توسعه در جهان امروز مفهوم ناشناخته‌ای نیست و به خصوص بعد از تحولات قابل توجهی که بعد از جنگ جهانی دوم در مناطق و کشورهای

یعنی صاحبان و بنیان اصلی برنامه ها باشند. و عجلتاً این مخاطبان و گروه‌های اصلی و اصل، همانا افشار روستائی و روستائی تباران جامعه در عصر حاضر هستند که هیچگونه نقش فعال و مسؤله‌انه ای در طرح و اجراء و ارزشیابی برنامه های توسعه بر عهده ندارند. یعنی، نه می‌توانند ادعای مشارکت در فرایند طرح و اجراء و ارزشیابی برنامه های توسعه و پیشرفت را داشته باشند و نه خود را صاحب مطالبات "ده وندی" فرض می‌کنند - اکثریتی "خاموش نگاهداشته شده" در هزاران روستای پراکنده در عرصه های طبیعی ایران زمین هستند که بعضاً هم در حال تحلیل و تخلیه و تخریب می‌باشند.

دکتر عباسعلی زالی: در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی به دلیل اهمیتی که بحث غذا و تولید محصولات مورد نیاز جمعیت کشور و در کنار آن مسائل خاص مربوط به جامعه روستایی دارا است، طبیعتاً در طی برنامه های توسعه گذشته سعی شده است از مدل های توسعه استفاده شود ولی نمی توان گفت که این مدل‌ها الزاماً از یک نظریه خاص تبعیت می کرده اند. بنای کار در گروه کشاورزی و منابع طبیعی هم این بوده است که نسبت به تحلیل این وضعیت در طی سال‌های برنامه ریزی قبل و بعد از انقلاب اقدام نماید که ممکن است در سال آینده این مطالعات و بررسی ها با توجه به سایر اولویت هایی که در دستور کار مرکز و اندیشکده ها قرار می گیرد، انجام شود ولی بطور کلی می توان گفت ما از مدل هایی که کاملاً روستا محور بوده اند تا مدل هایی که کشاورزی به شیوه تجاری و صنعتی را توصیه می کنند بهره گرفته ایم و در سال های اخیر هم بنابر آنچه که در مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار و کشاورزی پایدار مطرح است سعی کرده ایم برنامه های بخش را منظم کنیم اما به دلیل تعارض هایی که در درون این حوزه از حیث سرعت و جهت توسعه وجود دارد و همچنین هماهنگی هایی که در سایر حوزه‌ها از جمله سیاست‌های کلان اقتصادی یا سیاست‌های بین المللی خواه ناخواه پیش آمده است و در بعضی دوره ها هم اعمال سلیقه ها جای برنامه ها را گرفته است. بنابراین مهمتر از تایید یا نقد نظریه های توسعه در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی این است که به دنبال واکاوی این موضوع باشیم که چرا برنامه ها آنگونه که نوشته می شوند به اجرا در نمی آیند. مسلماً در صورتی که کل اقتصاد کشور و حوزه های مرتبط با آن اعم از داخلی و خارجی از نظریه مناسب و در خور اهداف جمهوری اسلامی ایران تبعیت نماید، بخش کشاورزی و جامعه کشاورزی هم از نتایج و اثرات آن برخوردار می شود.

● دکتر مصطفی ملکوتیان: نظریه های توسعه سیاسی متعدّدند. اما همگی از یک آبشخور مبنا می گیرند که عبارتست از اومانسیسم و توجه افراطی به مادی گرایی و نفع فردی که نتیجه آن در داخل جوامع غربی بی عدالتی بوده و در محیط بین المللی، استعمار و تحت عنوان منافع ملی، آنها هر چند ظاهری آراسته از غرب تصویر می کنند اما در عمل حرف زیادی برای گفتن ندارند.

● سؤال سوم: آیا تجارب جهانی می تواند راهگشای پیشرفت کشور ما باشد. محدودیت‌ها، فواید و چگونگی استفاده از این تجارب را شرح فرمایید.

● دکتر مصطفی سلیمی فر: در پاسخ به این سوال باید گفت که از یک سواز آن جا که این تجارب ادبیات غنی‌ای را فراهم کرده است که هم از باب عدم ضرورت اختراع چرخ و هم با تاسی به این که گذشته می تواند چراغ راه آینده باشد، تجربه های جهانی می تواند در مسیر طراحی الگوی اسلامی ایرانی و نیز پیشرفت کشور، به شرط برخورد آگاهانه، مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می رسد جهان در این عرصه ناخواسته به سمت قرار گرفتن در مسیر فطرت انسانی طی طریق می نماید. طرح مباحثی مانند اقتصاد اخلاقی در میان اقتصاددانان مشهور، یا صبغه انسانی دادن به توسعه و طرح نظریات مربوط به توسعه پایدار با ابعاد مختلفی که برای آن قائل اند، شاید از

نشانه های این گرایش باشد. لذا، به نظر می رسد ما نباید خود را از دستاوردهای بشر در این عرصه مهم محروم کنیم. اما از سوی دیگر باید به تفاوت های ماهوی بین ما و سایر تجربه ها در مولفه های اصلی یک جامعه پیشرفته توجه کافی داشته باشیم. به علاوه، الگوی پیشرفت در هر کشوری متأثر از شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن کشور می باشد. به همین دلیل می توان گفت: الگوهای توسعه تعمیم پذیر نیستند.

شواهد جهانی نشان می دهند که شاید مهم ترین مولفه پیشرفت در یک جامعه، توسعه علمی و توانمندی جامعه در به کارگیری آن در صحنه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی (فناوری) باشد. این یک تجربه جهانی است که می تواند مورد استفاده ما نیز قرار گیرد. توجه به نقش کلیدی و روزافزون سرمایه انسانی و نیز اهمیت سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه از دیگر دستاوردهای جهانی است که می تواند در مسیر پیشرفت کشور مورد استفاده قرار گیرد.

● دکتر اسماعیل شهبازی: اگر دانش بومی و مهارت‌های محلی و میراث های ملی و تجربیات تاریخی خود را به فراموشی نسپاریم و تجارب کسب شده جهانی را با توجه به این "داشته‌های خودی" تجزیه و تحلیل و تطبیق و تلفیق نمائیم و در قالب برنامه های توسعه و پیشرفت برای ایران طراحی و اجراء و به درستی ارزشیابی نمائیم، آنگاه می توانیم ادعا کنیم که "از هوشمندی ذاتی خود بهره جسته ایم".

● دکتر عباسعلی زالی: تجارت جهانی بدون شک قابل بحث و بررسی و واکاوی و استفاده هستند. اما اینکه فکر کنیم به تنهایی تجربه کشور دیگری راهگشای پیشرفت در کشور ما باشد انتظار خیلی موجهی نیست. زیرا اگر خوب دقت کنیم به این نکته واقف می شویم که اصولاً کشورهای پیشرفته آنهایی هستند که اولاً به نظریات مناسب توسعه بهای لازم را داده اند ثانیاً در چارچوب های علمی و قابل اعتماد شرایط داخلی خود را سنجیده اند. با تطبیق این دو موضوع با یکدیگر مدل های مناسب را برای توسعه طراحی و به اجرا در آورده اند بنابراین ضمن اینکه بایستی از این تجربیات که محدود هم نیستند درس بگیریم ولی لازم است به شرایط کشور خودمان هم بخوبی واقف باشیم و از آن تجربیات استفاده نماییم و مراقبت نماییم که بدون توجه موشکافانه به طبیعت کشور و پتانسیل ها و قابلیت ها و محدودیت ها گرفتار کپی برداری از مدل های بیگانه نشویم

دکتر مصطفی ملکوتیان: کشورهای توسعه یافته تجربیات خود را منتقل نمی کنند. آنها یافته های علمی را تبدیل به کالا می کنند و به ملت های دیگر می فروشند. البته از طریق دانش ضمنی می توان تا حدودی به این تجربیات دست یافت. البته این مطلب مربوط به توسعه اقتصادی و فناوری است. تجربیات آنها در زمینه توسعه سیاسی به درد جوامع دیگر نمی خورد و خود آن جوامع را نیز به سوی بحران های فکری سیاسی سوق داده است.

● سؤال چهارم: به نظر جنابعالی نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی چگونه نظریه ای باید باشد؟

● دکتر مصطفی سلیمی فر: اگر بخواهیم بسیار موجز به این سوال پاسخ دهیم، باید گفت که نظریه اسلامی ایرانی - پیشرفت در ابتدا باید مبتنی بر جهان بینی اسلامی بوده و در راستای تحقق جایگاه انسان در مکتب اسلام باشد، یعنی نگاهش به انسان، نگاه مستولانه، کمال جو و معنویت گرا باشد و تبیین و تفسیری از زندگی و پیشرفت را برای انسان و جامعه ارائه نماید که "عزت" را در تقوای الهی جستجو می کند و از بنیادهای محکم برخوردار است. به علاوه، این نظریه باید قادر باشد چگونگی روابط چهارگانه: انسان با خدا، فرد با جامعه، انسان با طبیعت و انسان با خودش را بر اساس آموزه های اسلامی تبیین نماید. بنا براین، نظریه مذکور هم تصویری از جامعه مطلوب را ارائه خواهد کرد و هم نقشه راه فرآیند "شدن" انسان و جامعه از وضعیت

موجود به وضعیت مطلوب را طراحی خواهد نمود. ثانیاً: این نظریه باید مبتنی بر توانمندی های کشور از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک بوده و با فرهنگ جامعه ارتباطی ارگانیک داشته باشد.

● دکتر اسماعیل شهبازی: این نظریه به هر شکل و صورتی الزامی می باید بر مبنای ریشه کنی فقر اقتصادی و فرهنگی از جوامع محروم روستائی و روستائی تباران مستقر در حواشی شهرها و شهرک های صنعتی و خدماتی از طریق تأمین رفاه روستائیان و رونق تولید کشاورزی و فعالیت های وابسته در روستاها و قطب‌های کشاورزی با استفاده پایدار و اهرم گونه و راستین از مشارکت فعالانه و مسؤله‌انه روستانشینان پایه‌گذاری گردد.

● دکتر عباسعلی زالی: نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی باید نظریه ای باشد که کلیه امور و فعالیت های کشور را در تمامی حوزه ها بطور موزون و هماهنگ به پیش ببرد که البته آثار خود را در برنامه ها و چشم اندازها نشان دهد و در این راستا با عوامل و عناصر اساسی نظیر انسان، زیست بوم، موقعیت جغرافیایی، قابلیت های طبیعی از جمله آب و خاک با هدف حفظ استقلال همه جانبه کشور و تعامل سازنده با جهان بهاء لازم بدهد. این نظریه قطعاً باید با مبانی اسلامی و ویژگی های متنوع جامعه ایرانی در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مجموع مولفه های مرتبط با تعالی جایگاه تولیدکنندگان و ذینفعان، سازگاری داشته باشد و از شاخص ها و مولفه هایی برخوردار باشد که به صورت علمی هم قابل اثبات باشند. امیدواریم که این مرکز هم بتواند در این گفتمان عظیم و ملی برای دستیابی به الگوی پیشرفت، همیا و همگام با کلیه نخبگان، اندیشه ورزان و صاحب نظران کشور به توفیقات مورد انتظار برسد.

● دکتر مصطفی ملکوتیان: نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی از برداشت از انسان و ویژگی های او شروع می شود و نظریه ای است که به ارزش های انسانی مانند عدالت بهاء می دهد. این نظریه در همه جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روابط بین الملل، علمی و فناوری و ... اهداف متعالی را وجه همت خود قرار می دهد. انحصارگرا و زورگو و استعمارطلب نیست و در خدمت برآوردن منطقی نیازهای معنوی و مادی انسان است. این نظریه که در درون خود می تواند نظریه های زیادی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری و ... را در بر گیرد به ظهور تمدنی نوین می اندیشد که در سمت مقابل تمدن غربی معاصر قرار می گیرد.

● دکتر اسماعیل شهبازی: همچنین یادآور شد هرگونه نظریه ای برای توسعه و پیشرفت در ایران و برای جامعه ایرانی، الزاماً و اجباراً می باید مبتنی بر شناخت ریشه‌های اصیل جامعه اسلامی ایرانی باشد و این شناخت هم محقق نمی شود مگر این که پژوهشگران و سیاستگذاران و برنامه ریزان و مجریان برنامه های توسعه و پیشرفت مقدماتاً و به جد، به ایران شناسی بپردازند - و گفتنی است که راه ایران شناسی هم محققاً از روستاشناسی به صورت دگرگشتی یا روستا پیمایی آغاز می گردد. در تأیید این راه، ادعای می شود که بالغ بر نیمی از بزرگان و سیاستگذاران و برنامه ریزان و مدیران و مجریان سستاد و صف در برنامه‌های توسعه و پیشرفت در ایران امروز، روستائی و روستائی تبار هستند - که این هم افتخاری برای "جامعه ناشناخته شده‌ای" است که امروزه فرزندان، سررشته مدیریت امور کشور را در دست دارند و در عین حال، هشدار است برای روستازادگان دانشمندی که دیار و همدیاری های خود را به فراموشی سپرده‌اند!

الزامات سیاسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

دکتر جلال درخشه
دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام



بی تردید، یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در جهان جدید، توسعه و پیشرفت است؛ موضوعی که به تدریج در قرن بیستم و به ویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دغدغه مشترک اکثر کشورهای توسعه‌نیافته درآمد. برای پاسخگویی به این دغدغه مهم، الگوهای مختلف توسعه، شکل گرفت. امروزه، ادبیات توسعه، دربرگیرنده همین الگوها، نظریه‌ها و اهدافی است که در پی توضیح چگونگی پیشرفت کشورها است. در عین حال باید تأکید کرد که هر جامعه‌ای برای رسیدن به جایگاه مناسب و کسب پیشرفت باید الگویی متناسب با شرایط و ویژگی‌ها، استعدادها، امکانات و الزامات بومی خود در عرصه‌های گوناگون، طراحی و انتخاب نماید. به عبارت دیگر نمی‌توان برای وصول به هدف توسعه ملی و تاریخی، صرفاً مدلی یک‌بعدی مد نظر قرار داد زیرا چنین نوع توسعه‌ای، نامتوازن و ناهمگون خواهد بود. طرح بحث الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری، بیان‌کننده این مهم است که برای جامعه ایران که به دنبال تمدن‌سازی نوین اسلامی و ایرانی است، پیشرفت باید دارای ابعاد گوناگون و مطابق با نیازها و شرایط بومی باشد. از این رو در جهت ساختن نمودن این مهم، الگویی کامل و همه‌جانبه ضروری است؛ الگویی که بر انگاره‌ها و اهداف جامعه ایرانی، شکل گیرد. بدین منظور، تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت را باید یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در مسیر مشخص شدن مسیر توسعه و پیشرفت در جهت تحقق آرمان‌های تاریخی ملت ایران و انقلاب اسلامی ارزیابی نمود، الگویی که باید راهنمای عملی نظام، تلقی گردد. تجربه سسی و چند ساله نظام، اکنون این زمینه را فراهم آورده است تا برای تعالی و پیشرفت جامعه ایرانی، الگویی بومی طراحی گردد. بدیهی است طراحی چنین الگویی مستلزم در نظر گرفتن الزامات خاصی در دو بُعد سیاست داخلی و خارجی است.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پی تعالی و کمال انسان است

ادامه از صفحه ۲

جامعه برخوردار بوده، از مکاتبه و اطلاع‌رسانی پیرامون کنفرانس به بیش از ده هزار تن از نخبگان، فرهیختگان، اساتید دانشگاه و حوزه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مورد کنفرانس خبر داد و افزود: امیدواریم بتوانیم با جلب نظر دانشگاهیان و حوزویان برای ارائه مقاله به کنفرانس، در خصوص پیشرفت ایران اسلامی، گفتمان‌سازی لازم را انجام دهیم. گفتنی است سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در روزهای ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد سال ۱۳۹۳ با حضور اساتید حوزه و دانشگاه، نخبگان فرهیختگان، طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های کشور برگزار می‌شود. زمان ارائه مقالات به پیش از این ۱۵ بهمن سال جاری اعلام شده بود، براساس درخواست صاحبان قلم و نویسندگان مقالات تا ۱۵ اسفند سال ۱۳۹۲ تمدید شد.

دولت و توسعه در کره جنوبی

این مقاله توسط آقای دکتر رضا شیرزادی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهیه و در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۰ منتشر شده است. نگارنده معتقد است طی قرن بیستم نقش دولت در فرآیند توسعه بسیار چشمگیر و تعیین کننده بوده، طوری که بخشی از کشورهای جهان سوم با سیاستگذاری‌های دولت و نهادهای رسمی توانستند به رشد، رفاه و توسعه دست یابند. بدیهی است هر نوع نظام سیاسی با هر ویژگی‌ای نمی‌تواند عهده دار چنین مسئولیتی شود و دولت‌ها باید دارای اندیشه‌ها، ساختارها و نهادهای خاصی باشند تا زمینه را برای تحقق توسعه فراهم نمایند.

در مقاله ایشان ضمن بررسی عمده ترین ویژگی‌های دولت‌های توسعه گرا، یک مورد موفق توسعه یعنی کره جنوبی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسندگان در انتهای مقاله چنین نتیجه گرفته است هیچ کشوری در حال توسعه نتوانسته است از نظر رشد اقتصادی، کاهش فقر، ادغام در بازارهای جهانی و افزایش سطح زندگی به اندازه بره‌های آسیا به موفقیت دست یابد. در سه دهه اخیر در این کشورها درآمدهای سرانه تقریباً چهار برابر شده، میزان رشد جمعیت به شدت کاهش یافته، و وضعیت بهداشت، درمان و آموزش به طور چشمگیری بهبود یافته است. کشورهای شرق آسیا با ترکیب مزیت‌ها، زمینه‌ها و برنامه‌های توسعه ملی (داخلی) با الگوهای بازار و توسعه برون‌گرا (در هماهنگی با الزامات نظام بین الملل)، رشد اقتصادی پر شتاب و پایداری را تجربه کرده اند. بره‌های آسیا در چهار دهه اخیر به طور میانگین رشد اقتصادی بالای هفت درصد در سال را تجربه کرده اند. عده‌ای معتقدند علت اصلی معجزه شرق آسیا؛ دولت و دخالت‌های فعالانه، انتخابی و آگاهانه آنها در اقتصاد بازار بوده است. گروهی دیگر (نولیبرال‌ها، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) معتقدند دخالت محدود دولت و اجازه دادن به نیروهای بازار برای کنش محدود و آزادانه، انحراف اندک در قیمت‌ها، ثبات اقتصاد کلان و توجه به مزیت نسبی بوده است. مسلم است ایجاد ترکیب مناسب و هماهنگی میان برنامه‌های توسعه ملی این کشورها با الزامات بین المللی، نکته کلیدی برای درک توسعه شرق آسیا است. یکی از عوامل توسعه شرق آسیا، ژاپن به عنوان پیشرو توسعه در این منطقه بوده است که هم تأکید بر توسعه بومی داشته و هم بر تجربه‌ها و الزامات بین المللی توسعه توجه داشته است. با توسعه ژاپن، نسل اول کشورهای آسیا (کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور) به توسعه دست یافت و سپس در فرآیند تصاعدی، نسل دوم (مالزی، تایلند، اندونزی) به توسعه رسیدند. تنها استثنا و مورد ناموفق توسعه در شرق آسیا، مورد فیلیپین بوده است. فرایند ایجاد دولت اقتدارگرا در کره جنوبی با انجام اصلاحات ارضی تکمیل شد. این کشور در پی جنگ کره، اصلاحاتی رادیکال را در بخش کشاورزی به اجرا درآورد که باقی‌مانده زمینداران بزرگ را از بین برد (آنها یا به کارگران و دهقانان کوچک تبدیل شدند، و یا بورژوازی محلی را تشکیل دادند که بعدها با حمایت دولت، شرکت‌های بزرگی (چپول‌ها) مشابه شرکت‌های ژاپنی ایجاد کردند. اصلاحات ارضی این کشور علاوه بر این که بهره‌وری کشاورزی را به میزان قابل توجهی افزایش داد، در ایجاد برابری اجتماعی نیز نقش مهمی ایفاء کرد و زمینه مساعدی برای اجرای موفقیت آمیز استراتژی جایگزینی واردات که بعداً توسط این کشور اتخاذ شد، فراهم کرد. در کره جنوبی، کارآفرینان اقتصادی برابری و مشابه برای دریافت امتیازات و اعتبارات دولتی با یکدیگر رقابت می‌کردند و دولت اقتدارگرا نیز بر اساس یک فرآیند مسابقه، بیشترین امتیازات اقتصادی را به کارآفرینان فعالان اقتصادی، اعطاء می‌کرد. دولت‌های مقتدر کره جنوبی که بسیاری از مقاماتش

توسعه و پیشرفت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است

ادامه از صفحه ۱ برنامه‌ها و در اجرای آنها مشارکت داده شوند، تا این برنامه‌ها اولاً مناسب حال و نیاز مردم باشند و ثانیاً با کمترین هزینه و با موفقیت به اجرا درآیند. از این رو، هدف سومین کنفرانس سالانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با موضوع «واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجربیات ایران و جهان؛ به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت» این است که با بررسی نقادانه ابعاد مختلف موضوع توسعه، از جمله اهداف و شیوه‌های برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه، مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه را واکاوی کرده و قوت و ضعف آنها را بررسی کند تا با مطالعه انتقادی آنها و تجارب توسعه ایران و جهان، بتواند به سؤالات مهم مربوط به توسعه ایران پاسخ گوید و با ارزیابی نظریه‌ها و مدل‌های رایج توسعه، میزان سازگاری این نظریه‌ها را با مبانی اسلامی و وضعیت جامعه ایران محک بزند. بر این اساس با توجه به ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی،

در ژاپن تحصیل کرده و قابلیت ژاپن برای جذب تکنولوژی غرب و صنعتی شدن را تحسین می‌کردند، در ایجاد دیوانسالاری و نظام استخدامی نیز به الگوهای ژاپنی توجه داشتند. کره جنوبی که در طول نیمه نخست قرن بیستم تحت استعمار ژاپن درآمد، توسط این کشور تحولات بنیادینی را در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود تجربه کرد. این دگرگونی‌ها پس از جنگ جهانی دوم از طریق جنگ سرد، جنگ کره، اصلاحات ارضی در کره جنوبی و تشکیل دولت‌های مقتدر در این کشور، تکمیل شد (الگو برداری از ژاپن)، و پس از آن، این کشور در زمان‌های مختلف، روش‌ها و استراتژی‌های متفاوتی برای توسعه اقتصادی نظیر جایگزینی واردات، توسعه صادرات، ایجاد صنایع سنگین و شیمیایی، ایجاد شرکت‌های بزرگ تجاری و غیره در پیش گرفت که در این روش‌ها نیز از ژاپن تقلید می‌کرد. کره در مسیر توسعه خود ضمن ایجاد تحولات عمیق توسعه گرایانه داخلی، وضعیت عمومی کشور خود را با الزامات نظام بین الملل هماهنگ نموده و برای استفاده از فرصت‌های نهفته در فضای جهانی شدن، حمایت قدرتمندی بزرگ را کسب نمود.

نگارنده معتقد است در مجموع، عوامل زیر، مؤلفه‌های اصلی تجربه توسعه کره جنوبی و برخی از نمونه‌های موفق توسعه در شرق آسیا از طریق الگوی دولت محور محسوب می‌شوند:

۱. دولت توسعه گرا و نظام اداری کارآمد: اولین و مهم ترین عامل مشترک در میان تمامی این کشورها، وجود دولتی توسعه گرا و نظام اداری کارآمد بود. در تمام این کشورها، دولت از طریق نظام اداری خود توانست سیاست‌های کارشناسی شده را طراحی و اجرا کند.
۲. نخبگان تحول خواه: در درون این دولت و نظام اداری، نخبگان تحول خواهی وجود داشتند که توسعه را آرمان و دستیابی به آن را هدف اصلی خود می‌دانستند.
۳. اهمیت مسأله بقاء به عنوان نیروی برانگیزاننده نخبگان تحول خواه: تقریباً تمام این کشورها، درگیر بحران فقر جمعی بودند.
۴. نیروی کار ارزان، منضبط و با انگیزه: این عامل در مراحل اولیه و میانی توسعه، اثبات فراوان سرمایه ملی و دستیابی به بازارهای فروش بیشتر محصولات داخلی را ممکن کرد و باعث شد روندهای مستمر توسعه کشور، تداوم یابد.
۵. ارتباطات مؤثر جهانی: ارتباطات مؤثر جهانی و همکاری‌های گسترده بین المللی باعث تسریع روند توسعه از طریق گسترش سرمایه گذاری‌های خارجی، انتقال فن آوری، و استفاده از بازار فروش برای ایجاد ساخت داخل در محیطی خالی از تنش شد.
۶. بسترهای مناسب فرهنگی (اخلاق کار): بستر این تحولات، وجود نظام کاملی از اخلاقیات مدافع ثبات، نظم و انضباط اجتماعی از یک طرف و ترویج اخلاق کار و لزوم تلاش برای ساختن و اهمیت وجدان کاری و تبعیت از سلسله مراتب اجتماعی - سازمانی بود. این بستر مناسب فرهنگی، هنگامی که دولت توسعه گرا بر سر کار آمد، روند توسعه ملی را تسریع و آن را به آرمانی جمعی تبدیل کرد.
۷. ثبات سیاسی: تمام این عوامل، یعنی استمرار دولت توسعه گرا و نظام اداری کارآمد، نخبگان تحول خواه و ناسیونالیسم قوی آن‌ها، نیروی حرکت دهنده برای حل مسأله بقاء، نیروی کار نسبتاً ارزان، برقراری انضباط شدید نیروی کار، وجود اخلاقی مدافع کار و تولید و ارتباطات مؤثر جهانی، در شرایطی وجود داشته باشد، می‌تواند توسعه را محقق کند. ثبات سیاسی باعث می‌شود تا اراده «ثبات سیاسی» که برای توسعه و آگاهی به لزوم توسعه یافتگی و شیوه‌های منطقی دسترسی به آن، فرصت ظهور و بروز پیدا کنند.

فرهنگی و علمی توسعه، تمرکز این کنفرانس بر محورهای زیر است:

- تحلیل و آسیب‌شناسی نظریه‌های رایج و مدل‌های کلان توسعه غربی
- ارزیابی تطبیقی تجارب توسعه در کشورها و استنتاج عوامل و مبانی مشترک آنها
- چالش‌های بنیادین موجود توسعه در کشورهای صنعتی
- میزان سازگاری نظریه‌ها و مدل‌های رایج توسعه با مبانی و اسناد اسلامی و ویژگی‌های جامعه ایران
- تحلیل دستاوردها و تبعات توسعه در کشورهای اسلامی و انطباق آن با شرایط ایران
- تبیین نظریه‌های اندیشمندان ایرانی برای پیشرفت کشور
- واکاوی ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت
- امید است اندیشمندان گرامی کشور در حوزه‌های مختلف علمی مربوط به کنفرانس مقالات ارزشمندی تهیه کرده و آنها را تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ به کنفرانس ارائه فرمائید.

گستره دین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حجت الاسلام دکتر حمیدرضا شاکرین

استادیار گروه علمی منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

پیشرفت تعیین نمی‌کند؛ در عین حال با نگاه ناقص و ماده‌گرایانه‌ای که به دین دارد، معنویات دینی را فرومی‌گذارد و لاجرم تمدنی سراسر مادی را به نام دین رقم می‌زند.

در میان دیدگاه‌های مطرح نگرش جامع سازگارترین نظریه با واقعیت دین مبین اسلام است. در این دیدگاه دین الهی نه تنها به سعادت و شقاوت اخروی انسان می‌پردازد که خیر و سعادت دنیوی را نیز به نیکوترین وجهی در نظر می‌گیرد. چرا که چگونه زیستن انسان در این جهان هم بر نیک‌فرجامی و بدفرجامی جاودانی او اثرگذار است و هم سعادت و بهروزی این جهانی در حد خود دارای ارزش و مطلوبیت استقلالی است و آفریدگار جهان سعادت انسان در هر دو جهان را منظور دارد. از همین رو دین حق الهی از جهات متعددی مدد رسان و یاور انسان است و کارکردهای گسترده و فراگیری در عرصه‌های مختلف حیات بشر دارد. قرآن مجید در آیاتی چند به جامعیت دین اشاره دارد. در نگرش جامع، دین الهی به کمال و سعادت دنیوی و اخروی انسان به نیکوترین وجه ممکن می‌پردازد. در این نگرش صلاح و فساد دنیایی افزون بر نقش مقدماتی برای فلاح و شقاوت اخروی، خود نیز از ارزش و اهمیت نفسی و ذاتی برخوردار است.

عمده‌ترین کارویژه‌های مهم تمدن‌ساز دین در نگاه جامع نگر عبارت است از: (۱) معرفت بخشی (۲) هدف‌گذاری (۳) قانون‌گذاری (۴) نظام‌سازی (۵) برنامه‌دهی. لاجرم دین ظرفیت فراخ و مرجعیت گسترده‌ای برای تمدن‌سازی و الگوی پیشرفت دارد. مرجعیت جامع و فراخ دین به معنای کنار نهادن علم، تجربه و خرد بشری نیست؛ بلکه عقل بشری خود یکی از منابع دین است و دین احیاگر، پرورش دهنده و جهت بخش عقل می‌باشد.

در نگرش جامع بسیاری از مشکلات به ویژه امور متغیر را باید با کمک خرد، تجربه و دانش بشری حل کرد؛ لیکن از عقل و علم در پرتو اصول و هنجارهای دینی استفاده می‌شود و نباید میان روش‌های برگزیده با احکام دینی تعارضی وجود داشته باشد. علاقه‌مندان جهت مطالعه متن کامل مقاله به مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مراجعه نمایند.

هم‌اندیشی صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه توسعه و پیشرفت در سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

یکپارچه در اختیار نداریم. گرچه عناصر اصلی و مبانی این نظریه در معارف دینی و فقهی ما موجود است و اسلام شناسان دین پژوه افق‌هایی را روشن کرده‌اند لیکن تا تدوین نهایی نظریه در بستر هم‌اندیشی و اقتناع صاحب‌نظران راه درازی در پیش است. بدیهی است تا نظریه اسلامی پیشرفت را تولید نکرده باشیم عملاً نمی‌توانیم نظریه‌های رایج توسعه را گرچه کاملاً دینی نباشند رها کنیم. بر این اساس نظریه پردازی و تولید محتوا با تکیه بر مبانی اسلامی و بهره‌گیری از دانش و تجربیات بشری یک ضرورت جدی و رسالت تاریخی جامعه علمی حوزوی - دانشگاهی کشور است. اولین گام برای تحقق این هدف شناخت عمیق و جامع نظریه‌های رایج جهانی و تحلیل تبعات و دستاوردهای عینی آنها در یک فضای علمی است. سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر آن است که این فضای هم‌اندیشی و تفاهم عالمانه را برای صاحب‌نظران، اندیشمندان و پژوهشگران حوزه توسعه و پیشرفت فراهم نماید. لذا از این فرهیختگان دعوت می‌شود با حضور خود بر غنای علمی کنفرانس بیفزایند.

بنیاد قرار گرفتن اسلام برای تدوین الگوی پیشرفت مبتنی بر مبانی دین‌شناختی متعددی است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با دو سطح از



مبانی دین‌شناختی ارتباط برقرار می‌کند: در لایه زیرین آن دسته از مبانی و زیرساخت‌های نظری قرار دارند که توجیه‌گر ساخت الگو بر اساس دین مبین اسلام می‌باشد. در لایه زبرین مبانی تمدن‌ساز و الگودهنده اسلام واکاوی شده تا در ساخت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به کار گرفته شود. مقاله حاضر بر آن است تا به اختصار یکی از مبانی گونه نخست یعنی گستره‌شناسی دین را بازکود. این دسته از مبانی درجه اعتبار، توانایی و ظرفیت دین الهی برای پیشرفت و تمدن‌سازی و میزان پاسخگویی آن به نیازهای بشر در این عرصه را روشن می‌سازد.

شناخت گستره دین تعیین‌کننده حدود و چگونگی مراجعه به دین در ساخت تمدن و الگوی پیشرفت است. در رابطه با قلمرو دین دیدگاه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان رخ نموده است. در نظریه آخرت‌گرا هدف دین تنها و تنها توجه دادن انسان به سوی خدا و تأمین سعادت اخروی است. این دیدگاه با ایجاد گسست بین دین و دنیا و آخرت زمینه‌ساز برای گسست بین ساخت تمدن و الگوی پیشرفت را مسدود و آن را تلاشی بی‌ثمر می‌سازد.

در نظریه دنیاشمولی حداقل‌گرا، دین، اصالتاً برای اصلاح و آبادانی آخرت آمده است و در امور دنیوی انسان تنها در حد جهت‌دهی کلان و بیان اهداف کلی می‌تواند دخالت می‌کند و نباید بیش از این در این زمینه از دین انتظار داشت. بنابراین در این دیدگاه هدف نهایی دین سعادت فرجامین است و تنها به میزانی که دنیا می‌تواند در کار آخرت امداد کند یا مزاحم واقع شود، مورد توجه دین قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد مرجعیت دین در ساخت تمدن و پیشرفت تنها در جهت همسازی آن با غایات کلی و سعادت فرجامین است و بیش از این نمی‌توان از دین استمداد جست.

درست در نقطه مقابل کسانی که دین را منحصر به تعالیم آخرت‌گرایانه دانسته‌اند، برخی نیز چنان به افراط بر جنبه‌های دنیایی دین پای فشرده، که گویی دین چیزی جز یک ایدئولوژی دنیاگرا نیست. دین‌شناسی دنیاگرا حدودی برای مرجعیت دین در الگوی تمدن و

بررسی مقایسه‌ای تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در جهت پیشرفت



این مقاله توسط آقایان دکتر محمدباقر نوبخت، رضا مجیدزاده و سعید غلامی نتاج نگاشته شده و در فصلنامه راهبرد اقتصادی، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۲

منتشر شده است. نگارندگان در این تحقیق تلاش نموده‌اند تا تجربه توسعه شش گروه کشورهای توسعه یافته صنعتی، تازه صنعتی شده شرق آسیا، در حال توسعه غرب آسیا، در حال توسعه آمریکای لاتین، در حال گذار اروپای شرقی و رو به توسعه آفریقا را با تأکید بر روند علم و فناوری در آنها و از منظر چارچوب تحلیلی نهادی و با اتکا به روش تحلیلی پویای ماتریس تار و پود اجتماعی ارزیابی و مقایسه نمایند. ضمن اینکه تلاش کرده‌اند تا با مروری بر تجربه توسعه ایران و مقایسه با تجربه کشورهای منتخب، دلالت‌هایی برای آن استخراج شود. طبق نتایج تحقیق، مسیر بهینه توسعه آن است که منفعت همه بازیگران در آن لحاظ شده باشد. دولت نقشی ترکیبی بر عهده دارد که مقداری از منافع برنامه‌ریز در اتکای صرف به صندوق رانت را کاهش و مقداری از منافع ناشی از همکاری را برای برنامه‌پذیر افزایش می‌دهد. بنابراین این بازیگر باید هم دارای مشخصه‌ای منطبق با برنامه‌پذیر و هم دارای بخشی از ابزار نظارتی باشد. با توجه به ویژگی بافتار قومیتی و تنوع فرهنگی سیستم اجتماعی ایران، اثربخشی بازیگر سوم هم به برخورداری او از ویژگی بومی و هم به توانایی اعمال نظارت او در حد کالاهای عمومی محلی بستگی دارد. به این ترتیب نهادهای مدنی در هریک از بخش‌های قومی که ابزار نظارت بر تخصیص منابع توسعه را از طرف حکومت در اختیار داشته باشد، همان بازیگر سوم موثر در استقرار تعادل ناشی از همکاری خواهد بود.

جهانی شدن و توسعه پایدار



این مقاله توسط خانم دکتر شمس السادات زاهدی، استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی نگاشته شده و در فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۳،

تابستان ۱۳۹۰ منتشر شده است. نگارنده معتقد است جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در بر می‌گیرد و موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر می‌شود. از منظر اقتصادی، سیر تاریخی جهانی شدن را می‌توان به چهار مرحله داخلی، بین‌المللی، چندملیتی و جهانی تفکیک کرد. از منظر جهان بینی نیز چهار نوع طرز تفکر خود محوری، چندمحوری، منطقه محوری و جهان محوری در روند جهانی شدن مشاهده می‌شود. جهانی شدن دارای اثرات مثبت و منفی است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. اصولاً طرز تلقی و نگرش نسبت به جهانی شدن بستگی به این موضوع دارد که فرد، گروه و یا جامعه خاص از وضعیت به وجود آمده، منتفع و یا متضرر شده باشد. بدیهی است که برای جهانی شدن مطرح شده‌اند عبارتند از: جنبش ضد جهانی شدن، جهانی شدن اصلاح شده و فلسفه توسعه پایدار. عقلانی‌ترین تبدیل برای جهانی شدن، توسعه پایدار است که هم‌زمان با توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بر ضرورت توجه به محیط زیست و حفظ منابع طبیعی نیز تأکید می‌نماید. توسعه پایدار را می‌توان مدیریت روابط سیستم‌های انسانی و اکوسیستم‌های طبیعی با هدف استفاده پایدار از منابع در جهت تأمین رفاه نسل‌های حال و آینده تعریف کرد. واقعیتها حاکی از آن است که دخالت‌های نسنجیده بشر و بهره‌گیری افراطی از منابع طبیعی، نظم اکوسیستم را مختل کرده است. از اینرو لازم است که کلیه کشورهای جهان، از فرصت‌ها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره‌گیری کنند و با اعمال نفوذ در روند مزبور، آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت نمایند.

محورهای سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

خلاصه‌ای از فعالیت‌های کمیته‌های علمی و اجرایی کنفرانس

اهم فعالیت‌های اجرایی دبیرخانه سومین کنفرانس تا نیمه اول دیماه ۱۳۹۲ به شمار می‌روند.

علاوه بر این، کمیته علمی کنفرانس نیز به ریاست آقای دکتر محمد حسین پناهی، دبیر علمی کنفرانس، تا کنون با تشکیل دو جلسه و با توجه به محورهای موضوعی کنفرانس، شیوه نامه نگارش مقالات، فرایند داوری، زمان‌های اصلی پذیرش مقالات و اعلام نتایج، تمهیدات لازم برای انتشار مقالات برگزیده کنفرانس در نشریات علمی- پژوهشی و اسامی سخنرانان ویژه کنفرانس را تعیین نموده است. کمیته علمی همچنین با تاکید بر ضرورت مشارکت جامعه علمی در این کنفرانس، اسامی پیشنهادی صاحب‌نظران برجسته و مرتبط با حوزه‌های موضوعی کنفرانس جهت ارائه مقاله را مشخص نموده و دبیرخانه علمی کنفرانس را موظف ساخت اقدامات لازم برای اطلاع رسانی و دعوت از ایشان را به عمل آورد

با تشکیل کمیته اجرایی سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اول مردادماه ۱۳۹۲ به ریاست آقای دکتر اکبرزاده، معاون علمی و تقسیم کار ملی مرکز و دبیر کنفرانس، دبیرخانه کنفرانس فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. جهت بسترسازی مشارکت فعال تر نخبگان، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی و حوزوی در برگزاری شایسته این رویداد علمی- اجتماعی، کمیته اجرایی کنفرانس تا کنون با برگزاری ۸ جلسه، سیاست‌ها و فعالیت‌های تبلیغی و اجرایی این کنفرانس را تعیین نموده است.

راه‌اندازی وبگاه کنفرانس (<http://tc.olgou.ir>)، تعیین تاریخ برگزاری کنفرانس و مهلت ارسال مقالات؛ طراحی و چاپ پوستر کنفرانس و توزیع آن در سطح مراکز دانشگاهی و حوزوی استان‌ها، انتشار ویژه نامه شماره ۱ کنفرانس، ارسال نامه عمومی فراخوان مقاله به صاحب‌نظران، اساتید و نخبگان دانشگاهی و حوزوی از

هدف این کنفرانس بهره‌گیری از دستاوردهای علمی بشری و ارزیابی نظریه‌ها و تجارب جهانی توسعه و بررسی تجربیات عینی سایر کشورها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای تدوین نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت است. این کنفرانس در روزهای ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ماه ۹۳ در تهران برگزار خواهد شد. محورهای موضوعی کنفرانس عبارتند از:

- ۱- تحلیل و آسیب‌شناسی نظریه‌های رایج و مدل‌های کلان توسعه غربی
 - ۲- ارزیابی تطبیقی تجارب توسعه در کشورها و استنتاج عوامل و مبانی مشترک آنها
 - ۳- چالش‌های بنیادین موجود در کشورهای صنعتی
 - ۴- میزان سازگاری نظریه‌ها و مدل‌های رایج توسعه با مبانی و اسناد اسلامی و ویژگی‌های جامعه ایران
 - ۵- تحلیل دستاوردها و تبعات توسعه در کشورهای اسلامی و انطباق آن با شرایط ایران
 - ۶- تبیین نظریه‌های اندیشمندان ایرانی برای پیشرفت کشور
 - ۷- واکاوی ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت
- از کلیه استادان و محققان دانشگاهی و حوزوی دعوت می‌شود آثار و مقالات علمی مرتبط با محورهای کنفرانس و منتشر نشده خود را که واجد دیدگاه‌های بدیع و اصیل هستند، به دبیرخانه کنفرانس ارسال فرمایند

جامعه‌شناسی جهانی شدن:

رهیافت‌هایی برای برنامه‌ریزی توسعه در ایران

از فرصت‌های جهانی شدن و کاهش مخاطرات آن باید مجموعه‌ای از تدابیر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طراحی و اجرا شوند تا باعث هم‌افزایی نیروهای جهانی و داخلی برای توسعه ملی شود. از جمله ضعف‌های برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور در تعامل با جهانی شدن عدم توجه کافی به ضرورت داشتن مجموعه‌ای از تدابیر سازگار برای تعامل با جهانی شدن در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده است. این امر در حالی است که برنامه‌های توسعه کشور بر اقداماتی برای بازکردن اقتصاد ملی به روی بازارهای جهانی تاکید داشته است، اما به پیش نیازهای سیاسی و فرهنگی موثر واقع شدن اقدامات برای این باز گشایی اقتصادی توجه لازم نشده است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی جهانی شدن، چالش اصلی برنامه‌ریزی توسعه در ایران آن است که چگونه بین تجربه جهانی توسعه و باورهای اسلامی- ایرانی در مورد سازمان اجتماعی مناسب برای توسعه سازگاری ایجاد کرد؟ برای مواجهه با این چالش، تدابیر پیشنهادی این مقاله در پی ایجاد نوعی هماهنگی بین عوامل داخلی توسعه و نیروهای محرکه جهانی شدن هستند، تا هم‌افزایی آنها زمینه ساز توسعه ملی شود.

طرح الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در برنامه پنجم توسعه کشور می‌تواند فرصتی را برای بررسی چگونگی استفاده از تجربه جهانی توسعه و بومی سازی آن با توجه به فرهنگ اسلامی- ایرانی به وجود آورد. بدون فایده آمدن بر چالش یاد شده، سایر اقدامات برای تعامل با جهانی شدن اثربخشی چندانی نخواهند داشت. جامعه‌شناسی جهانی شدن این پیام اصلی را برای برنامه‌ریزی توسعه در جمهوری اسلامی ایران در بردارد که بدون حل کردن چالش‌های فرهنگی در مواجهه خردمندانه با تجربه جهانی توسعه، نمی‌توان از فرصت‌های جهانی شدن برای پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی استفاده کرد و از مخاطرات آن برای توسعه ملی اجتناب نمود. به علاوه برای ایفای نقش در بازسازی جهانی شدن معاصر به سوی یک جامعه جهانی مردمی و عادلانه باید ابتدا تحولات در محیط جهانی پس از پایان جنگ سرد را به درستی شناسایی کرد.

این مقاله توسط آقای مسعود محمدی الموتی، دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه شده و در فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، در بهار ۱۳۹۲ منتشر شده است. این مقاله پیامدهای جامعه‌شناسی جهانی شدن برای برنامه‌ریزی توسعه در ایران را بررسی نموده و پیشنهادهایی را برای تعامل سازنده با جهانی شدن در برنامه توسعه کشور ارائه کرده است. برنامه‌ای که به عنوان یک سند ملی از دیدگاه‌های نظریه پردازان و سیاستگذاران توسعه متاثر است. بدین منظور، ابتدا سه نظریه جامعه‌شناسی جهانی شدن به طور خلاصه بررسی شده و به ترتیب نیروهای محرکه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن معرفی شده اند. با ارایه یک ارزیابی انتقادی از فرض پایه، استدلال‌های اصلی، و نتایج عمده این سه نظریه، چارچوبی برای تحلیل جهانی شدن و پیامدهای آن پیشنهاد شده است. بر اساس این چارچوب نظری، پیامدهای جهانی شدن برای برنامه‌ریزی اجتماعی در کشورهای توسعه در سه حوزه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بررسی شده و مصادیق آن پیامدها برای برنامه‌ریزی توسعه در ایران جستجو شده است. همچنین با اشاره‌ای به اهداف و سیاست‌های عمده برنامه‌های پنج ساله توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استدلال شده است که برنامه‌های مذکور از نگاه جامعه‌شناسانه برای تحلیل اثرات جهانی شدن برخوردار نبوده است. این امر در حالی است که جامعه‌شناسی جهانی شدن رهیافت‌های مهمی در جهت برنامه‌ریزی توسعه در ایران را در بر خواهد داشت. مهمترین این رهیافت‌ها عبارت است از: به منظور استفاده از فرصت‌های جهانی شدن باید تعامل فرهنگی و سیاسی سازنده با جهان شکل گیرد. این تعامل، اساس استفاده فرصت‌های جهانی شدن در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فناوری را فراهم می‌آورد. در این تعامل سازنده، بهره‌برداری از تجربه جهانی توسعه و نقد منصفانه آن نقش کلیدی را ایفاء خواهد نمود.

از جمله مهمترین پیامدهای جامعه‌شناسی جهانی شدن برای برنامه‌ریزی توسعه در ایران آن است که برای استفاده

اعضای کمیته علمی سومین کنفرانس الگو

۱. دکتر محمدحسین پناهی (رئیس کمیته علمی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی)
۲. دکتر هادی اکبرزاده (دبیر کنفرانس، استاد دانشگاه صنعتی اصفهان)
۳. دکتر تقی آزاد ارمکی (استاد دانشگاه تهران)
۴. دکتر منصوره اعظم آزاد (دانشیار دانشگاه الزهراء (س))
۵. آیت‌الله علیرضا اعرافی (استاد جامعه‌المصطفی العالمیه)
۶. دکتر غلامعلی افروز (استاد دانشگاه تهران)
۷. دکتر احمد جعفری صمیمی (استاد دانشگاه مازندران)
۸. حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
۹. دکتر عباسعلی زالی (استاد دانشگاه تهران)
۱۰. دکتر مصطفی سلیمی‌فر (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
۱۱. دکتر اسماعیل شهبازی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)
۱۲. دکتر مهدی طالب (استاد دانشگاه تهران)
۱۳. دکتر غلامرضا غفاری (دانشیار دانشگاه تهران)
۱۴. دکتر مرتضی فراهی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)
۱۵. آیت‌الله محسن فقیه حبیبی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
۱۶. دکتر عبدالعلی قوام (استاد دانشگاه شهید بهشتی)
۱۷. دکتر محمود متوسلی (استاد دانشگاه تهران)
۱۸. دکتر مهدی محسنیان‌راد (دانشیار دانشگاه امام صادق (ع))
۱۹. دکتر مصطفی ملکوتیان (استاد دانشگاه تهران)
۲۰. دکتر محمد میرزایی (استاد دانشگاه تهران)
۲۱. حجت‌الاسلام دکتر سیدحسین میرمعزی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد
روبروی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
ستاد برگزاری سومین کنفرانس
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان؛
به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

تماس با دبیرخانه کنفرانس:
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۶۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸
دورنگار: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸
وبگاه: <http://tc.olgou.ir>